

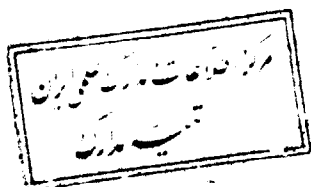
۲۹۴۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم

داستان های قرآنی در دفتر اول مثنوی با توجه به چهارتفسیر

بوسیله

سید یعقوب سعادت اردکانی



پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای

تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه شیراز

شیراز، ایران

۳۷۷۵۱۲

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

امضاء اعضاء کمیته پایان نامه:

دکتر محمد یوسف نیری (رئیس کمیته) ..... دانشیار

دکتر شاهرخ محمدیگی (استاد مشاور) ..... استادیار

فروردین ماه ۱۳۷۸

۲۶۴۴۷

## تقدیم ہے

پیشگاہ جدّ مطہرم خاتم برگزیدگان،  
سلاہ بزرگواران، یکتا آورندہ قرآن، رحمت عالمیان  
ورہائی بخش جهان از قید عبودیت باطل، حضرت  
نبی اکرم صلوات اللہ علیہم اجمعین.

## سپاسگزاری

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر نثیری در انجام این پایان نامه با راهنمایی‌ها و دستگیریهایی مستمر خود حقیر را مورد لطف و عنایت قرار دادند از این رو برخود لازم می‌دانم از این استاد فرهیخته نهایت سپاس و قدردانی داشته باشم نیز از استاد ارجمند و مدبر جناب آقای دکتر محمد بیگی که با پذیرفتن مشاوره پایان نامه آن را از معایب پیراستند بی نهایت سپاسگزارم.

همچنین از همه استادان و دوستانی که در تکمیل این پایان نامه با حقیر همکاری داشتند صمیمانه تشکر می‌نمایم.

## جکیده

داستانهای قرآنی در دفتر اول مثنوی با توجه به چهار تفسیر

توسط

سید یعقوب سعادت اردکانی

این پایان نامه در بررسی داستان‌های قرآنی در دفتر اول مثنوی و دیدگاه تفاسیر مجمع‌البیان و المیزان از تفاسیر شیعه و کشف‌الاسرار و مفاتیح‌الغیب از اهل تسنن می‌باشد.

در این تحقیق نخست ابیات مثنوی دقیقاً خوانده شده ابیاتی که دارای داستان قرآنی بوده استخراج گردیده برای دقت در کار به کتابهایی که در مرور بر تحقیقات گذشته ذکر شد مراجعه نموده بعد آیه یا آیات قرآنی مربوط به داستان‌های قرآنی مورد بررسی قرار گرفته است.

برای دقت و نتیجه‌ای بهتر به تفاسیر دیگر نیز مراجعه شده با توجه به شرح کتب مختلفی که درباره مثنوی نوشته شده است اندیشه مولانا و نظریات و برداشتهای مختلف او را در این راستا روشن نموده‌ام. آنچه در این پایان‌نامه در خور توجه است روشن شدن ارزش تفاسیر قرآن و شرح گوناگون مثنوی بصورت تطبیقی می‌باشد که دیدگاه صاحبان تفاسیر و اختلاف و اتفاق نظر آنها در این روش بهتر روشن می‌گردد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هفت	فهرست علائم اختصاری
۲	فصل اول - مقدمه
۹	فصل دوم- مروری بر تحقیقات گذشته
۱۱	فصل سوم- داستانهای قرآنی در دفتر اول مثنوی
۱۲	عشق و عروج
۱۵	معراج پیامبر اسلام (ص)
۲۲	معراج حضرت عیسی (ع)
۲۴	عروج ادریس (ع)
۲۶	طلب رویت
۲۹	ادب و عدم رعایت آن
۳۵	خوان حضرت موسی (ع)
۳۹	مائده حضرت عیسی (ع)
۴۱	پیر را بگزین و عین راه‌دان
۴۹	عصای موسی (ع)
۵۴	اصحاب کهف
۶۶	سفینه نوح (ع)
۷۱	طلب ابراهیم (ع)
۷۴	تطهیر دل در تأویل داستان حضرت ابراهیم
۷۷	هاروت و ماروت
۸۴	گلستان ابراهیم
۸۶	مارمیت اذرمیت

صفحه

عنوان

۸۹	مولانا و جبر و اختیار
۹۱	اصحاب اخدود
۹۴	موسی و دریا
۹۷	قارون و تصرف حق تعالی در عنصر خاک
۱۰۱	مرغ شدن گل از دم عیسی
۱۰۴	نجات موسی (ع)
۱۰۸	هبوط آدم
۱۱۲	معلمی آدم
۱۱۶	شق القمر
۱۱۸	داستان اصحاب فیل
۱۲۱	یوسف
۱۲۸	تأثیر اولیاء در داستان مریم (ع)
۱۳۱	چشمه حضرت ایوب (ع)
۱۳۳	داستان عالم ذر
۱۳۷	داستان سامری
۱۳۹	لاف خدایی فرعون
۱۴۲	ناقه صالح
۱۴۷	درخواست سلیمان از خداوند
۱۵۰	دیو و سلیمان
۱۵۴	قوم عاد
۱۵۶	داستان بلعم باعور
۱۵۹	یدیضاء
۱۶۱	فصل چهارم - نتیجه گیری
۱۶۴	کتابنامه

چکیده و عنوان به زبان انگلیسی

## فهرست علائم اختصاری

ج	جلد .....
ر.ک	رجوع کنید به .....
ص	صفحه .....
صص	صفحات .....



# فصل اول

# مقدمه

## مقدمه

ابناء بشر در سیر تکاملی خویش، همواره با مشکلات و مصائب فراوان روبرو بوده‌اند.

بانگاهی به تاریخ گذشته و امروز درمی‌یابیم که مصائبی چون قتل و غارت، فساد و خونریزی، حرص و زیاده‌طلبی، دشمنی و جدال قبیله‌ای و گروهی و هزاران هزار رنج و بلای خانمانسوز دیگر گریبانگیر بشریت ماجراجو در قرون متمادی تاریخ بوده است. آفریدگار متعال برای رهایی بشر از چنگال هواهای نفسانی و نیل به سعادت و رستگاری همواره انسانهای صدیقی را از میان خودشان به پیامبری مبعوث کرد تا بشریت را از ظلمت تباهی به سرمنزله روشن وحدانیت و آگاهی رهنمون شوند پیامبرانی که همواره منادی توحید، عدالت، تعالی اخلاقی و اندیشه بودند و در راه آرمانهای الهی‌شان متحمل زحماتی سخت و جانفرسا شدند و چون به ودیعه پیامبری خویش که امانت الهی است ایمان داشتند هرگز از پیمودن راه دشوار هدایت و دعوت آگاهانه مأیوس نشدند و همواره اهرم صعود انسان به قله رفیع تکامل و سعادت الهی بودند.

به یقین آشنایی با سرگذشت این انسانهای الهی که مجاهدان نستوه عرضه مبارزه با طاغوت‌های زمان بوده‌اند گام موثری در بیداری و شناخت آیندگان نسبت به تلاشها و زحمات پیامبران صدیق است. و سرگذشت برخی از پیامبران مناسب با موضوع و محتوای آیات برای پند و عبرت بشر و آشنایی با رسولان الهی در قرآن کریم که پیام آسمانی و صحیفه نور مبین حق تعالی است مذکور می‌باشد. اشارات مکرر به زندگی پیامبران که بعضاً زندگی خصوصی آنها را نیز در برمی‌گیرد نشاندهنده لزوم شناخت پیامبران است زیرا در کلام الهی حرف لغو و بیهوده راه ندارد و آنچه هست بنا به ضرورت و طبق حکمت و مصلحت و علم الهی برای سعادت بشر آورده شده است.

مولوی، عارف شهیر قرن هفتم در تفسیر عرفانی خویش از کلام حق تعالی در بسیاری از ابیات مثنوی شریف، سرگذشت پیامبران را به تلمیح یا به تشریح بازگو می‌کند. مولوی در اینگونه ابیات به قرآن استناد می‌کند و با حدت ذهن و عرفان الهی خویش از حقیقت پرده برمی‌دارد و در جذبه و شور اشعار عرفانی خویش روح انسان را با پیامبران

صدیق پیوند می‌دهد و در این راه به هدف خویش که آشنایی عرفانی با رسولان الهی است نائل می‌شود و معرفت و شوق به ارمغان می‌آورد. مولوی با اشاره به داستان زندگی پیامبران، چنان ماهرانه در روح انسان نفوذ می‌کند که در جان شعله می‌زند و روح را در آرزوی دیدار با اولیاء الله به پرواز در می‌آورد.

مولوی به داستانهای بسیاری در مثنوی شریف اشاره کرده است که ۴۷ عدد از آنها قصص قرآنی است که سرنوشت پیامبران و شرح حال آنها عمده‌ترین است. بدیهی است هر نویسنده، شاعر و عارف بزرگی برای بیان مقصود خویش از ابزار و وسائلی استفاده می‌کند که یکی از موثرترین شیوه‌های انتقال فکر و اندیشه خویش به دیگران استفاده از تمثیلات، داستانها و حکایات تاریخی و اجتماعی است. کتابهای نویسندگان پارسی زبان آکنده از قصص و حکایات فراوانی است که هم به لحاظ ادبی به اثر جلوه و زیبایی می‌بخشد و هم به لحاظ محتوایی، پیام نویسنده را از صورتی خشک و صریح خارج می‌سازد. مولوی در آوردن قصص قرآنی فراوان در مثنوی به جنبه‌های ادبی تلمیح نظر دارد. صنعت تلمیح کلام را از حالت بی‌رونی و انجماد خارج می‌کند و بیان غیر مستقیم مطلب، از طریق حکایت و داستان ذهن را به حرکت وامی‌دارد و در خواننده کشش ایجاد می‌کند. از لحاظ محتوی، لزوم آشنایی با قصص قرآنی به منظور عبرت آموزی و حقیقت یابی نیز مورد نظر مولوی است اما عمده مطلب این است که هدف از آوردن قصص قرآنی که قسمت اعظم آنها مربوط به پیامبران است همان چیزی است که محور مثنوی و اساس روش عرفانی مولوی در مثنوی عظیم خویش است.

همانگونه که می‌دانید مولوی اعتقاد عمیقی به جادبه جنسیت دارد در مثنوی شریف تجانس محصول معرفت و شناخت است یعنی هر شناختی، جاذبه‌ای همراه دارد و تجانسی که محصول آن است لذتی به دنبال دارد. استاد جلال الدین همایی در جلد دوم مولوی نامه به تفضیل در این باره شرح و تفسیر کرده

«یکی از اصول مهم و اساسی آئین تصوف مولوی که در جای جای در هر شش دفتر مثنوی با عبارات و بیانات گوناگون تأکید و تسجیل کرده این است که غیر از طایفه برگزیدگان حق که در فطرت و طینت ازلی و ابداعی، هم از جهت فهم و

شعور باطنی و هم از حیث سجایای اخلاقی کامل و بی‌نیاز از هدایت و دستگیری ولی مرشد خلق شده‌اند، و تعلیم، تربیت، اهداء و استرشاد از دست اول که سرمایه سرشت و مزاج تکوینی و مبداء خلقت گرفته‌اند؛ سایر خلایق عموماً در طی مدارج روحانی و وصول بمرتبۀ کمال انسانی، ناقص و ضعیف فقیرند و بدین سبب احتیاج مبرم به پیوند اولیاء خدا و دستگیری و اعانت پیامبران واصل و ارشاد و هدایت استادان کامل راهبر دارند؛ چرا که در راه حق و طریق سلوک مقامات معنوی، بسیار سخت و ناهموار و در هر قدمش بیم هزاران آفت و خطر ضلالت و تهلکه است.

اندوین وادی مروبی این دلیل لاأحب الاقلین گو چون خلیل<sup>۱</sup> و در صفحه ۶۲۳ همان منبع ذکر شده است «رها کردن هوی و هوس و تنیدن به امر و نهی یزدانی در واقع مقدمه اعتصام به حبل الله و چنگ زدن بحلقه ولایت است و بیعت ولایت در حقیقت چنانست که باروان اولیاء آمیخته و در روح آنها متحد و لااقل مرتبط شده باشند و همین آمیزش و پیوند معنوی است که سرمایه نجات و رستگاری بشر در دو جهان می‌گردد.

چون تو در قرآن حق بگریختی      باروان انبیاء آمیختی  
هست قرآن حالهای انبیاء      ماهیان بحرپاک کبریا  
ور بخوانی و نیی قرآن پذیر      انبیاء و اولیاء را دیده گیر<sup>۲</sup>  
در مولوی نامه به این نکته اشاره شده است که مولوی گرویدن خلق به انبیاء و اولیاء را در جنسیت جاذبه بشری می‌داند.

«مولوی می‌گوید که پیامبران و برگزیدگان الهی در باطن از جنس روح و ملک‌اند یعنی هر چند بصورت جسمانی‌اند به معنی همچون فرشتگان، در عالم روح زندگی می‌کنند انبیاء چون جنس روحند و ملک هر ملک را جذب کردند از فلک

۱- مولوی نامه، جلال الدین همایی ص ۶۰۶ و ۶۰۵

۲- مولوی نامه، جلال الدین همایی ص ۶۲۳

اما در ظاهر بصورت بشر جسمانی خلق شده‌اند تا با جاذبه جنسیت، جامعه بشری را هدایت و اصلاح کنند.<sup>۱</sup>

در مورد تفسیر عرفانی قرآن کریم در مثنوی شریف، دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب بحر در کوزه، نکته ۱۷، مطالبی را در مورد تعبیرات و قصص مأخوذ از قرآن بیان می‌دارد «قرآن و حدیث دو سرچشمه فیاض عمده‌ی است که عرفان مولانا از آن سیراب می‌شود. پاره‌ی قصه‌های مثنوی از مضمون اشارت قرآن و حدیث مأخوذ است الفاظ و تعبیرات مأخوذ از قرآن و حدیث هم در مثنوی چنان وسعت و وفوری دارد که تا حدی از ویژگی‌های اسلوب آن به شمار می‌آید. در آنچه به قرآن کریم مربوط است گرایش به تأویل در حدی است که به عدول از مفهوم ظاهر منجر نمی‌شود. با اینهمه، چون مولانا حدیث را هم مثل قرآن متضمن اسرار و رموز می‌یابد که گاه آنها را تاویل هم می‌کند تا بدین گونه لطایف عرفان عملی و دقایق شیوه سیرالی الله را که غایت نظم و انشای مثنوی است از طریق تفسیر و تأویل قرآن و حدیث قابل توجیه می‌سازد. طرز تلقی مولانا از قرآن کریم حاکی از استغراق تام و از تعظیم فوق العاده وی در معانی و الفاظ این کلام الهی است. علاقه به تأویل صوفیانه آیات هم که در سراسر مثنوی آثارش پیداست از توجه خاصی که بر موجب یک روایت افلاکی به تفسیر صوفیانه ابو عبدالرحمن سلمی (وفات: ۴۱۲) معروف به کتاب حقایق التفسیر نشان می‌دهد و از اکرام و نواختی که در حق یک استنساخ کننده آن اظهار می‌کند به نحو بازاری توجیه می‌گردد. تأثیری که قرآن کریم از جهت لفظ و معنی در مثنوی به جای نهاده است تا حدی است که بدون شک فهم درست مثنوی بدون آشنایی با قرآن حاصل نمی‌شود. چرا که غیر از اخذ قصه‌های قرآنی و تفسیر تعدادی از آیات آن، سراسر مثنوی مملو از الفاظ و تعبیرات قرآنی و مشحون از موارد استشهاد و تمثیل به آیات کلام الهی است. مولانا نه فقط بر سبیل استدلال که گاه تمثیل و استشهاد می‌کند بلکه در بسیاری موارد استشهاد به آنها از باب تبرک و تیمن به کلام الهی به نظر می‌رسد.

بعلاوه غیر از خود مولانا که در دلالات و خطابات بلاواسطه خویش مکرر به آیات و تعبیرات قرآنی تمثل می‌کند. اشخاص قصه‌های مثنوی نیز در موقع ضرورت از باب تقریر حجت به کلام الهی استناد می‌نمایند، حتی این طرز استشهاد در قصه‌های حیوانات و در کلام کسانی که استناد به قرآن در شأن آنها نیست نیز هست.

در موارد بسیاری تمثل به آیات متضمن تفسیر آنها نیز می‌شود و این تفسیرها که گاه با وجود ایجاز فوق العاده‌ای که دارد شامل نکات جالبی است که لطایف اقوال مشایخ صوفیه را به تقدیر درمی‌آورد.

و نظایر آن در تفسیرهای غیر صوفی هم نیست. از این گذشته کثرت و تنوع موارد اخذ نقل آیات قرآنی در مثنوی تا حدی است که آن را می‌توان تفسیری صوفیانه از قرآن کریم تلقی کرد.

در مورد حدیث هم نقل، صورتی از متن به فحوای آن در مثنوی غالباً وسیله‌ی برای تقریر مدعا یا رفع شبهه مخاطب محسوب است، از این رو اشارات به آن در زبان اشخاص قصه هم هست، در پاره‌ی موارد نیز تمسک به حدیث را وسیله‌ی برای توجیه اقوال و آرای مشایخ صوفیه می‌یابد و آنجاست که غالباً بر سنن صوفیه اتکا دارد و نقدی که بر روایات صوفیه هست بر او نیز وارد است. در واقع اکثر احادیث در صحاح حدیث مآخذ معتبر دارد.

هدف از این تحقیق مشخص نمودن ابعاد عرفانی مثنوی در بهره‌گیری از تمثل و استشادات قرآنی در دفتر اول مثنوی شریف است و پاسخ به این سؤال که آیا مثنوی شریف را می‌توان تفسیر عرفانی قرآن کریم دانست؟

در فصلهای مختلف رساله حاضر ابتدا اشعار مربوط را از مثنوی شریف استخراج کردم و صرفاً آیاتی را ذکر کرده‌ام که در آن اشاره مستقیم به قصص قرآنی داشت و یا تلمیح به گونه‌ای قوی بود که داستان مورد نظر را در ذهن تداعی می‌کرد. آیه مورد نظر را از قرآن کریم ترجمه بهاءالدین خرمشاهی استخراج کرده‌ام سپس به نقل تأویلات و تفاسیر مختلف و مبرز درباره قصه پرداخته‌ام و سعی کردم که تا حد امکان از پراکنده گویی پرهیز کنم تا آنجا که خواننده محترم با مراجعه به فصول مختلف در پایان هر بخش بتواند،